

## بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان تفاوت سطح تحصیلی در زوجین

فاطمه شجاعی<sup>۱\*</sup> / رضوان السادات جزایری<sup>۲</sup> / سید احمد احمدی<sup>۳</sup>  
مریم السادات فاتحی زاده<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۶

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیرات میزان تفاوت سطح تحصیلی زوجین بر سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج، انجام گرفته است. طرح این پژوهش، توصیفی علی-مقایسه‌ای بود. حجم نمونه ۱۲۰ نفر از زوجین شهر اصفهان بودند که حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذشت. این افراد به صورت خوشه‌ای از میان زوجینی که در نواحی مختلف اصفهان ساکن بودند انتخاب و در سه گروه، الف: میزان تحصیلات مرد بالاتر از زن است (۴۰ نفر)، ب: میزان تحصیلات زن بالاتر از مرد است (۴۰ نفر) و ج: سطوح همسان تحصیلی بین زوجین (۴۰ نفر)، قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سازگاری زناشویی زوجی اصلاح شده (RDAS)، پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد (کارایی) ازدواج و پرسشنامه نئو فرم کوتاه ۶۰ سؤالی استفاده شد که با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل آماری انجام گرفت. نتایج تحلیل کوواریانس (آنکوا) و (مانکوا) نشان داد که میزان سازگاری زناشویی و برخی مؤلفه‌های عملکرد ازدواج، در ترکیبات زوجی گوناگون به لحاظ سطوح تحصیلی، متفاوت است. بر اساس نتایج، سازگاری زناشویی در همسرانی که تحصیلات مرد بالاتر از زن بود، بیشتر نشان داده شد؛ اما هیچ تفاوتی در عملکرد ازدواج زوجین با سطوح مختلف تحصیلی، به دست نیامد؛ اما از نظر ابراز گری عاطفی، ارتباط، اقتصاد و مسائل مالی، زوجینی که میزان تحصیلات همسانی داشتند، ن در وضعیت بهتری قرار داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** سطح تحصیلی، سازگاری زناشویی، عملکرد ازدواج، ویژگی‌های شخصیتی.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان. Shojai.fateme@yahoo.com

۲- استادیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان. r.jazayeri@edu.ui.ac.ir

۳- استاد گروه مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان. sahmad@edu.ui.ac.ir

۴- دانشیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان. fatehizade@gmail.com

## مقدمه

ازجمله مسائلی که همواره در طول تاریخ مورد توجه واقع شده است و به‌نوعی اساس حیات بشری بدان وابسته است، مسئله‌ی ازدواج می‌باشد که به‌واسطه‌ی آن زوجین در ارتباطی متقابل با همسر خود قرار می‌گیرند. تعامل، بخشی اساسی در ارتباط زوجی و هم‌چنین انواع دیگر ارتباطات انسانی می‌باشد. ارتباط اعضای خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی که بر پایه‌ی ازدواج بنا شده است، در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده نقش بسیار مهمی دارد (زارعی، میرزایی و صادقی فرد، ۱۳۹۷).

در رابطه بین افراد، یکی از مؤلفه‌های مهم، سازگاری<sup>۱</sup> است که به‌صورت تمایل به برقراری ارتباط هر موجود زنده با وضع موجود یا محیط موجود تعریف می‌گردد. سازگاری هم‌چنین تمایل به واکنش سازنده به‌جای واکنش آسیب‌زا به یک کنش بالقوه‌ی مخرب، معمولاً برای سازگاری اجتماعی و روان‌شناختی کاربرد دارد که در معنای نوعی رفتار تطابقی است که به فرد اجازه می‌دهد تا با تقاضاهای محیط مواجه شود (بارامب و بويسکار<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

به‌طور اخص یکی از زمینه‌های سازگاری در زندگی انسان، سازگاری زناشویی است. ثبات و سازگاری زناشویی<sup>۳</sup> یکی از ملاک‌های موفقیت تعامل زوجین است (مندال<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). سازگاری زناشویی گویای وضعیتی است که در آن احساس غالبی که زوجین در رابطه‌ی زوجی‌شان ادراک می‌کنند، خوشبختی و رضایت از هم می‌باشد (ویشمن و بو کام<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). هم‌چنین سازگاری زناشویی فرایند انطباق با تغییرات بیرونی، برقراری تعادل بین انتظارات و نیازهای طرف مقابل و انطباق با شرایط تغییر در ازدواج و زندگی خانوادگی را شامل می‌شود (فسیلوگو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱)؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که سازگاری زناشویی دوره‌ی کمال و تحول است که در آن رشد و پیشرفت زوجین موردپذیرش و

1. adjustmant

2. Bharambe, K & Baviskar, P

3. marital adjustment

4. Mondol, J

5. Whisman, M & Baucom, D

6. Fisiloglu, H

درک واقع می‌شود و در صورت عدم درک و تجربه‌ی این رشد، اتمام روابط زناشویی پیامد حتمی خواهد بود (بارون و اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

پژوهش‌های متعددی با محوریت بررسی روابط زوجین در ابعاد گوناگون انجام شده که تصریح نموده‌اند که سازگاری زناشویی در زندگی زوجین پیامدهای مثبت فراوانی داشته و عدم سازگاری آن‌ها باهم پیامدهای آسیب‌زایی بر سلامتی و رابطه‌ی آنان به دنبال خواهد داشت (مندال، ۲۰۱۴).

علاوه بر سازگاری زناشویی به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر روابط بین افراد، عملکرد خانواده<sup>۲</sup> نیز سهم به‌سزایی از ارتباطات زوجی و فردی را به خود اختصاص می‌دهد. عملکرد خانواده گویای حالتی است که در آن اعضای خانواده به یک‌دیگر وابسته‌اند، تعاملاتی روشن و قابل‌انتظار بین آن‌ها جریان دارد و تجربیات زندگی خود را به یک روش با یکدیگر هماهنگ می‌کنند (پیلوسا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

عملکرد خانواده ابعادی از قبیل ارتباطات، باورهای دینی، همبستگی بین اعضای خانواده، توانایی سازگاری، کیفیت روابط، سبک‌های والدینی، وظایف انجام‌شده، شایستگی‌های ساختار خانواده، تعارضات و نحوه‌ی حل کردن مشکلات را شامل می‌شود (کاهانا، لی، گلر، کاهانا، شیک، برک و برنس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵).

عملکرد خانواده، کارکردهای خانواده را به‌عنوان یک واحد مورد ارزیابی قرار داده است و اداره کردن محیط خانواده برای حل مشکلات را نیز شامل می‌شود. هم‌چنین نیازهای اعضای خود را متناسب با شرایط و محدودیت‌های بافتی و رشدی، در امور گوناگون از جمله مواجهه با بحران‌ها و دوره‌های انتقالی مورد توجه قرار می‌دهد (قمری و خوشنام، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های متعدد در رابطه بین سازگاری زناشویی و عملکرد خانواده صورت گرفته است. بهارلو، صادقی فرد، امینی ناغانی و زمان پور (۱۳۹۴)، دریافتند که در عملکرد خانواده، مؤلفه‌های ارتباط، اقتصاد و مسائل مالی، می‌توانند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند. خلیل بند (۱۳۹۲) و بشار پور و شیخ‌الاسلامی (۲۰۱۵) نیز به بررسی ارتباط عملکرد

1. Baron, K & Smit, T

2. family functioning

3. Pilusa, E

4. Kahana, E. Lee, J. Kahana, J. Goler, T. Kahana, B. Shick, S. Burk, E & Barnes, K

خانواده و سازگاری زناشویی زوجین پرداخته و روشن کردند که عملکرد خانواده و سازگاری زناشویی به صورت مثبت و مستقیم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. با توجه به این پژوهش‌ها می‌توان گفت سازگاری زناشویی سنگ زیربنای عملکرد خانواده است (کمینک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶، به نقل از موسوی، ۱۳۹۲)؛ زیرا رشد اخلاقی خانواده، نحوه‌ی برقراری ارتباط بین اعضا، مناسب بودن مقررات خانواده، تقسیم وظایف، نحوه‌ی برخورد اعضای خانواده با مشکل، حل مسئله، ابراز عواطف و رفع نیازهای عاطفی با عملکرد خانواده مرتبط است (بهرامی، عشقی، غفاری، جوکار، دیاریان و یوسفی، ۱۳۹۱). هم‌چنین گانگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، معتقد است سازگاری زناشویی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده شناخته می‌شود.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اثرگذار بر روابط زناشویی و خانوادگی، ویژگی‌های شخصیت<sup>۳</sup> اعضای خانواده است (داوودی؛ پاشا شریفی؛ شفیع‌آبادی و فرزاد، ۱۳۹۳). ویژگی‌های شخصیتی متفاوت، بسترهای گوناگونی را در موقعیت‌های مختلف جهت بروز اشکال متنوع رفتار و میزان متفاوتی از سازگاری، متناسب با بافت زندگی و هم‌چنین بافت ارتباطی زوجین فراهم می‌کند (خسروی، ۱۳۹۱). نکته‌ی قابل توجه در مورد متغیرهای ذکر شده این است که عملکرد مطلوب خانواده تحت تأثیر برخی ویژگی‌های فردی زوجین از قبیل ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط مؤثر زوجین، عزت‌نفس بالای زوجین و خلق‌وخوی همسر نیز قرار می‌گیرد (ویجینیمالا کوماری و پاندا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ هانلر و گنس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵، ماهونی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵، اورتینکال و ونسیتوگن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، وجود ویژگی‌های شخصیتی متفاوت بین افراد، سازگاری زوجین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (شاکریان، نظری، ابراهیمی، فاطمی و دانایی، ۱۳۹۱).

هم‌چنین طی پژوهش‌هایی که توسط مورارو، تورلیکو (۲۰۱۱<sup>۸</sup>)، سلین و اُزدان و کرن<sup>۹</sup> (۲۰۱۴)، وانگ، چن، دنک و گوان<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، عباسی، (۱۳۹۵)، شهابی (۱۳۹۳) و خادمی،

1. Kamink, G
2. Gang, M
3. personality characteristics
4. Vaijayanthimala, K. Kumari, K & Panda, P
5. Hünler, O & Genc, O
6. Mahoney, A
7. Orathinkal, J & Vansteewegen, A
8. Mouraro, A & Torliko, M
9. Seray Ozdan, M & celen, N

ولی پور، خراسانی و نیشابوری (۱۳۹۴) انجام گرفته است، مشخص گردید که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری به صورت مثبت و روان رنجوری به صورت منفی می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند.

علاوه بر رضایت زناشویی بالا و عملکرد مطلوب خانواده که از عوامل شکل‌گیری یک ازدواج موفق است، عوامل دیگری نیز در این راستا دارای اهمیت می‌باشند. از جمله این عوامل، میزان توافق زوجین در حوزه‌های مختلف از جمله میزان تحصیلات<sup>۲</sup> است؛ زیرا دانش آموخته به دلیل فراگیری علمی در زمینه‌های گوناگون و کسب آگاهی‌های بیشتر، دارای این خصوصیت است که فرد را از انجام و یا بروز رفتارهای نامناسب بازمی‌دارد و علاوه بر این، تعیین‌کننده‌ی جایگاه فرد در جامعه است (عسگری، ۱۳۸۰).

تحقیقات متعدد نشان می‌دهند، مدارج تحصیلی در خوشبختی خانوادگی و همین‌طور سازگاری زناشویی بسیار مؤثر می‌باشد که البته در رابطه با تأثیر سطح تحصیلات در سطوح مختلف سازگاری زناشویی، نظرات گوناگونی وجود دارد؛ زیرا میزان تحصیلات معمولاً به مقام اجتماعی شخص مربوط است. هر مقطع تحصیلی، شأن اجتماعی خاصی پدید می‌آورد و به‌طور طبیعی انسان‌ها نیز در گزینش همسر و حتی مدیریت روابط زوجی، آن را معیاری مهم می‌شمارند. با توجه به نقش تحصیلات در زندگی فردی، مقاطع تحصیلی متفاوت (زیر دیپلم، دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا)، می‌تواند فضای فکری، مهارتی و حتی جهان‌بینی خاصی را موجب شود. از این‌رو محققان دریافته‌اند که سطح تحصیلات می‌تواند در زندگی همسران نیز تأثیرگذار باشد (سدردی نوین، ۱۳۹۶).

به‌عنوان نمونه، برادباری و فینچام و بیچ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین را مورد بررسی قرار دادند و بر این اساس عوامل گوناگونی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شناسایی کردند که از بین آن‌ها می‌توان به عواملی از قبیل آموزش و تحصیلات، عوامل ارتباطی دوجانبه مثل همسانی در مذهب، همسانی در نژاد، همسانی در وضعیت اجتماعی<sup>۴</sup> اقتصادی، همسانی در سن، همسانی در هوش، همسانی در تحصیلات،

1. Wang, W. Chen, Q. Deng, G & Guan, J

2. education level

3. Bradbury, T. Fincham, F & Beach, S

همسانی در ویژگی‌های کلی شخصیتی، اشاره کرد که در مجموع هر کدام از عوامل نامبرده به صورت نسبی می‌تواند سازگاری زوجین را به صورت مؤثرتر پیش‌بینی کند.

با توجه به موارد مطرح شده در رابطه با تحصیلات زن و مرد در زندگی زناشویی، می‌توان گفت که همسانی تحصیلی زوجین می‌تواند بر تشابه سلیقه، ذوق و اندیشه و شخصیت آنان مؤثر واقع شود؛ اما در رابطه با مؤلفه‌های سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج، اینکه تأثیر میزان تحصیلات متفاوت زوجین به چه صورت می‌باشد، می‌تواند اهمیت ویژه‌ای برای متخصصان داشته باشد. هم‌چنین میزان تحصیلات از عوامل مهم تشکیل‌دهنده شخصیت می‌باشد و تفاوت در ویژگی‌های شخصیتی، افکار، احساسات و رفتارهای متفاوتی را به دنبال دارد.

با توجه به ویژگی‌های شخصیتی که به شیوه‌های گوناگون با همدیگر ترکیب شده و الگوهای شخصیتی متفاوتی را به وجود آورده‌اند، زوجین می‌توانند در موقعیت‌های یکسان و یا موقعیت‌های تعارض برانگیز به شیوه‌های مختلف به متغیری چون سطح تحصیلات همسر، واکنش نشان دهند؛ بنابراین ویژگی‌های شخصیتی که فرد با خود وارد رابطه می‌کند، می‌تواند در سازگاری همسران در طول زندگی تأثیرگذار باشد. از همین رو، کنترل اثر ویژگی‌های شخصیتی زوجین برای بررسی سطح تحصیلات در رابطه با سازگاری و عملکرد زناشویی در پژوهش حاضر حائز اهمیت است.

لذا در این پژوهش به بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج با در نظر گرفتن میزان تفاوت سطح تحصیلی زوجین و کنترل اثر ویژگی‌های شخصیتی پرداخته شد. در این ارتباط، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- بین سه گروه شرکت‌کننده در پژوهش (گروه اول: تحصیلات مرد بالاتر، گروه دوم: تحصیلات خانم بالاتر، گروه سوم: تحصیلات هم‌تراز مرد و زن)، در زمینه سازگاری زناشویی و مؤلفه‌های آن، با کنترل اثر ویژگی‌های شخصیت تفاوت وجود دارد.

- بین سه گروه شرکت‌کننده در پژوهش در زمینه عملکرد ازدواج و مؤلفه‌های آن، با کنترل اثر ویژگی‌های شخصیت تفاوت وجود دارد.

## روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود و برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از شیوه‌ی کمی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین ساکن در شهر اصفهان در تمام سطوح تحصیلی در سال ۱۳۹۶ بود که به ۳ گروه مختلف تقسیم شدند: ۱- مرد دارای تحصیلات عالی است و زن تحصیلات کمتری دارد، ۲- زن دارای تحصیلات عالی است و مرد تحصیلات کمتری دارد، ۳- هر دو از یک سطح تحصیلی برخوردارند.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد (گال، بورگ و گال، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۴). از این رو ابتدا از بین نواحی شهر اصفهان، به صورت تصادفی پنج ناحیه انتخاب شد. سپس از بین فرهنگ‌سراهای موجود در مناطق برگزیده به صورت تصادفی به یک فرهنگ‌سرا در هر ناحیه مراجعه شد و از بین زوجین مراجعه‌کننده در کارگاه‌های زوجی در حال اجرا در فرهنگ‌سراها، با توجه به نیاز هر گروه درخواست مشارکت کرده و پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش توسط نمونه‌ی مورد نظر تکمیل گردید. توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت در جدول ۱ برآورد شده است. در مورد حجم بهینه نمونه، در تحقیقات از نوع علی-مقایسه‌ای، با عطف به مراجع علمی حجم نمونه برای هر گروه حداقل ۱۵ نفر لازم می‌باشد (گال، بورگ و گال، جلد اول، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۹۴، صفحه ۳۸۶). از این رو برای هر گروه اندازه نمونه به میزان ۲۰ زوج یعنی تعداد ۴۰ نفر به ازای هر گروه منظور گردید؛ که در مجموع سه گروه مورد پژوهش، حجم نمونه ۱۲۰ نفر (۶۰ زن و ۶۰ مرد) انتخاب شدند. برای جبران ریزش، این تعداد به ۱۵۰ نفر افزایش یافت. از این تعداد پرسشنامه‌هایی نیز که برگشت داده شدند و هم‌چنین پس از ورود داده‌ها در نرم‌افزار Spss20، ۱۰ نفر (۵ زوج) به علت سبک پاسخدهی نادرست به پرسشنامه حذف گردیدند و در مجموع حجم نمونه به ۱۲۰ نفر رسید.

جدول ۱: فراوانی نمونه برحسب گروه‌های تحصیلی

مجموع	گروه			جنسیت
	سوم	دوم	اول	
۶۰	۲۰	۲۰	۲۰	مرد
۶۰	۲۰	۲۰	۲۰	زن
۱۲۰	۴۰	۴۰	۴۰	مجموع

معیارهای ورود به پژوهش: زوجینی که تمایل به همکاری جهت پر کردن پرسشنامه‌ها داشتند، حداقل پنج سال از ازدواج آن‌ها می‌گذشت و در یکی از سه گروه پژوهش جای می‌گرفتند. معیارهای خروج از پژوهش: عدم تمایل برای ادامه‌ی همکاری جهت پر کردن پرسشنامه‌ها و یا عدم دسترسی به آن‌ها جهت دریافت پرسشنامه‌هایی که تکمیل شده بود. ابزارهای پژوهش عبارت‌اند از: پرسشنامه‌ی سازگاری زوجی اصلاح‌شده<sup>۱</sup> (RDAS): در این پژوهش پرسش‌نامه‌ی سازگاری زوجی اصلاح‌شده جهت ارزیابی و کیفیت زناشویی استفاده شد. این پرسشنامه توسط باسی، کران، لارسن و کریستنسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۵)، به نقل از هولسیت و میلر<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، ساخته شده است و فرم اصلی این مقیاس توسط اسپنیر<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) و بر اساس نظریه‌ی لیوایزو<sup>۵</sup> و اسپنیر (۱۹۷۹)، در مورد کیفیت روابط زناشویی ساخته شده است.

برادبوری، فینچام و فیچ (۲۰۰۰)، نیز پس از مطرح کردن نظریه‌ی خود در مورد کیفیت زناشویی، این پرسشنامه را به‌عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی کیفیت زناشویی معرفی کردند. این پرسشنامه دارای ۱۴ سؤال است که هر سؤال بر اساس مقیاس لیکرت ۶ تایی از دامنه کاملاً مخالفم (صفر) تا کاملاً موافقم (۵) تنظیم می‌شود. سؤالات ۷-۱۴ به‌صورت عکس نمره‌گذاری می‌شوند به این معنا که کاملاً موافقم نمره‌ی صفر و کاملاً مخالفم نمره‌ی پنج را به خود اختصاص می‌دهند. این ابزار از سه خرده مقیاس - همفکری و توافق، رضایت، انسجام - تشکیل شده است که در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان می‌دهند و نمرات بالا نشان‌دهنده‌ی کیفیت زناشویی بالاتر است. تحلیل عاملی تأییدی، ساختار سه عاملی پرسشنامه را در آمریکا تأیید کرده است و روایی آن را نشان داده است (باسی و کریستنسن، کران و لارسون، ۱۹۹۵). پایایی پرسشنامه به شیوه‌ی آلفای کرونباخ در مطالعه‌ی هولسیت و میلر (۲۰۰۵) از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. یوسفی (۱۳۹۰)، با بررسی مشخصات روان‌سنجی این پرسشنامه ضرایب پایایی همسانی درونی از جمله الفای کرونباخ و تصنیف برای ۱۴ ماده و سه عامل در کل پرسشنامه را به ترتیب (۰/۸۹ و ۰/۹۲)

گزارش کرد.

1. revised dyadic adjustment scale(RDA)
2. Basby, D & Cran, C & Larsen, D & Kristensen, J
3. Hoolist, S & Miller, B
4. Spanir, G
5. Livaizo, S

پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد (کارایی) ازدواج: پرسشنامه‌ی عملکرد ازدواج توسط رفاهی، ثنایی و پاشا شریفی (۱۳۸۷)، جهت تعیین عملکرد ازدواج ساخته شده است. این پرسشنامه بر اساس مطالعه متون پژوهشی و نظری داخل و خارج کشور در ۶۶ عبارت و ۱۱ مؤلفه ساخته شد. گروه نمونه این پرسشنامه ۵۴۳ زوج (۱۰۸۶ زن و شوهر) بود و روش نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت در قالب گزینه‌های همیشه، اکثر اوقات، گاهی اوقات، بندرت و هرگز با ارزش ۵ تا ۱ در عبارات مثبت و ۱ تا ۵ در عبارات منفی می‌باشد. برای ساخت و استاندارد پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد خانواده ابتدا از مبانی نظری کارایی خانواده و دیدگاه‌های مربوطه و همچنین پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی و پرسشنامه‌های مختلف از جمله پرسشنامه رضایت زناشویی (اینریچ) ابزار سنجش خانواده (FAD)، مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده (FACES)، پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) و... استفاده شد. عبارات طراحی شده یازده مؤلفه را مدنظر دارد. این مؤلفه‌ها بر اساس ویژگی‌های حیات خانواده تدوین شده‌اند. هر مؤلفه دارای شش عبارت و در مجموع شصت و شش عبارت را شامل می‌شود. مؤلفه‌ها شامل: ارتباط، ابراز گری عاطفی، حل مسئله، انعطاف‌پذیری، شیوه فرزند پروری، اقتصاد و مسائل مالی، خانواده و دوستان، ارزش‌ها، مراقبت جسمانی و روانی و عملکرد کلی می‌شوند. با توجه به چند ارزشی بودن پاسخ‌ها با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، اعتبار کلی پرسشنامه ۰/۹۶، و برای مؤلفه‌های آن به این ترتیب: ارتباط ۰/۸۰۳، ابراز عاطفی ۰/۸۰۲، حل مسئله و تصمیم‌گیری ۰/۸۰۱، نقش ۰/۸۰۱، انعطاف‌پذیری ۰/۸۰۴، شیوه فرزند پروری ۰/۸، اقتصاد و مسائل مالی ۰/۸۰۶، خانواده و دوستان ۰/۷۷۹، ارزش‌ها ۰/۸، مراقبت جسمانی و روانی ۰/۸۰۹، و عملکرد کلی ۰/۸. پایایی پرسشنامه‌ی مذکور به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۶۶ ارزیابی شد.

پرسشنامه‌ی شخصیت پنج عاملی نئو: پرسشنامه NEO توسط کاستا و مک کری (۱۹۸۵) ساخته شد. این آزمون به لحاظ انعکاس ۵ عامل اصلی، به عنوان یک مدل فراگیر بر اساس تحلیل عوامل محسوب می‌شود و گستردگی کاربرد آن در ارزیابی شخصیت افراد سالم و نیز در امور بالینی می‌تواند یکی از مناسب‌ترین ابزار ارزیابی شخصیت باشد. این پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت (روان-رنجوری،

برونگرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی)، به کار می‌رود. پاسخنامه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی‌تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. هر خرده‌مقیاس دوازده گویه را به خود اختصاص می‌دهد. نمره‌گذاری فرم کوتاه این پرسشنامه یعنی NEO-FFI در تمام مواد یکسان نیست. به این معنی که در نمره‌گذاری برخی از مواد فرم کوتاه پرسشنامه، به کاملاً مخالفم نمره ۴، مخالفم نمره ۳، بی‌تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۰ تعلق می‌گیرد. در حالی که برخی دیگر از مواد این فرم کوتاه به صورت عکس حالت گفته شده نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه در ایران توسط حق‌شناس (۱۳۸۵)، بر روی ۵۰۲ نفر از افراد بدون سابقه روان‌پزشکی هنجاریابی شده و ضرایب آلفای کرونباخ برای تعیین ثبات درونی برای چند شاخص اصلی به ترتیب: ۰/۸۱، ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۷۱ و ۰/۸۳ و ثبات باز آزمایی به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۶۰ و ۰/۶۴ می‌باشد (جزایری، دلاور و درتاج، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر پرسشنامه شخصیتی نئو به روش همسانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تعیین گردید. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر از این پرسشنامه جهت ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی پنج‌گانه استفاده شد و بعد از محاسبه‌ی نمرات عوامل پنج‌گانه‌ی شخصیتی، با توجه به اثرگذاری ویژگی‌های شخصیتی بر سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج که در پژوهش‌های پیشین به اثبات رسیده است و در بخش مقدمه نیز به صورت موردی به آن اشاره شد. بدین منظور که صرفاً نقش میزان تحصیلات متفاوت زوجین بر روی متغیرهای سازگاری و مؤلفه‌های آن و همچنین عملکرد ازدواج و مؤلفه‌های آن بررسی شود، تأثیر ویژگی‌های شخصیتی پنج‌گانه به‌عنوان متغیر کمکی کنترل و خنثی شد.

## یافته‌ها

میانگین متغیرها و مؤلفه‌های پژوهش (آمار توصیفی)، به این صورت می‌باشد: در مؤلفه‌ی اصلی سازگاری زناشویی: میانگین گروه اول (تحصیلات بالاتر مرد) ۲/۷، در خرده‌مقیاس توافق: گروه سوم (تحصیلات هم‌تراز زوجین) ۳/۸۵، رضایت در گروه اول (۱/۴۷) و انسجام نیز، گروه دوم (تحصیلات بالاتر زن) ۲/۸۶، میانگین بالاتری را کسب نمودند. در متغیر عملکرد ازدواج گروه اول با (میانگین ۳۳/۰۶) گروه دوم با میانگین (۳۳/۰۱) و در گروه سوم (تحصیلات هم‌تراز زوجین) میانگین (۳۳/۹۲)، بالاتر است. هم‌چنین در

مؤلفه‌های ارتباط (۳/۴۲)، ابراز گری عاطفی (۳/۴۸)، اقتصاد و مسائل مالی (۳/۷۷)، میانگین گروه سوم بالاتر و در مؤلفه‌ی فرزند پروری (۲/۲۳)، میانگین گروه اول بالاتر می‌باشد.

برای بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون شیب رگرسیون و لوین استفاده شد.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین مبنی بر پیش فرض تساوی واریانس سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج در گروه‌های زوجی مورد مطالعه

متغیر	ضریب F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
عملکرد ازدواج	۲/۵۳	۲	۱۱۷	۰/۰۸
ارتباط	۳/۲۵	۲	۱۱۷	۰/۰۴
ابراز گری عاطفی	۳/۳۴	۲	۱۱۷	۰/۰۳
نقش	۲/۹۶	۲	۱۱۷	۰/۰۵
انعطاف پذیری	۲/۲۶	۲	۱۱۷	۰/۱۰
فرزند پروری	۳/۲۷	۲	۱۱۷	۰/۰۴
اقتصاد و مسائل مالی	۰/۹۲	۲	۱۱۷	۰/۳۹
ارزش‌ها	۲/۶۰	۲	۱۱۷	۰/۰۷
مراقبت جسمانی و روانی	۱/۱۰	۲	۱۱۷	۰/۳۳
عملکرد کلی	۳/۰۲	۲	۱۱۷	۰/۰۵
حل مشکل	۰/۱۷	۲	۱۱۷	۰/۸۴
خانواده	۱/۳۸	۲	۱۱۷	۰/۲۵
سازگاری	۱/۱۵	۲	۱۱۷	۰/۳۱
توافق	۴/۳۸	۲	۱۱۷	۰/۰۱
رضایت	۱/۶	۲	۱۱۷	۰/۲
انسجام	۱/۲۶	۲	۱۱۷	۰/۲۸

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون جهت بررسی شیب رگرسیون سازگاری زناشویی و عملکرد

ازدواج در گروه‌های زوجی مورد مطالعه

متغیرها شاخص	ضریب F	درجه آزادی ۱	معناداری	توان آزمون	اندازه اثر
عملکرد ازدواج	۰/۹۲	۲	۰/۴۰	۰/۰۱	۰/۲۰
ارتباط	۰/۲۸	۲	۰/۷۴	۰/۰۹	۰/۰۰
ابراز گری عاطفی	۰/۲۰	۲	۰/۸۲	۰/۰۵	۰
نقش	۱/۲۵	۲	۰/۲۸	۰/۲۶	۲/۰

۰/۰۲	۰/۲۷	۰/۲۷	۲	۱/۳۰	انعطاف پذیری
۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۸۸	۲	۰/۱۲	فرزند پروری
۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۶۳	۲	۰/۴۵	اقتصاد و مسائل مالی
۰/۰۰	۰/۱۰	۰/۷۲	۲	۰/۳۲	ارزش‌ها
۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۸۳	۲	۰/۱۷	مراقبت جسمانی و روانی
۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۵۰	۲	۰/۶۸	عملکرد کلی
۰/۰۲	۰/۳۵	۰/۱۸	۲	۱/۶۹	حل مشکل
۰/۰۰	۱/۳	۰/۵۹	۲	۰/۵۲	خانواده
۰/۴۳	۰/۵۰	۰/۸۱	۲	۲/۵۶	سازگاری زناشویی
۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۲۹	۲	۱/۲۲	توافق
۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۹۵	۲	۰/۰۴	رضایت
۰/۰۱	۰/۲۳	۰/۳۴	۲	۱/۰۸	انسجام

نتایج آزمون لوین برای سازگاری زناشویی و همگنی شیب رگرسیون ( $p < ۰/۰۵$ ) گویای آن است که پیش فرض همسانی واریانس و همگنی شیب خط رگرسیون، در گروه‌های مورد مطالعه برای انجام تحلیل کوواریانس برای سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج، رعایت شده است.

جهت مقایسه سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج در گروه‌های زوجی مورد مطالعه با سطوح همسان و متفاوت تحصیلی، از تحلیل کوواریانس تک متغیره (آنکوا)، برای مؤلفه‌های اصلی و هم‌چنین تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا)، استفاده شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره برای سازگاری زناشویی و تحلیل کوواریانس چند متغیره برای مؤلفه‌های سازگاری زناشویی در زوجین با سطوح مختلف تحصیلی

متغیر	SS	df	MS	F	معنی‌داری sig	میزان تأثیر	توان آماری
سازگاری زناشویی	۱/۰۹	۲	۰/۵۴	۳/۵۰	۰/۰۳	۰/۵۹	۰/۶۴
توافق	۱/۱	۲	۰/۵۶	۱/۰۸	۰/۳۴	۰/۱۹	۰/۲۳
رضایت	۴/۹	۲	۲/۴۷	۲/۳۸	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۴۷
انسجام	۲/۰	۲	۱/۰۴	۱/۶۱	۰/۲۰	۰/۰۲	۰/۳۳

همان گونه که در جدول مشاهده می‌شود، آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری از لحاظ آماری معنادار هست؛ بنابراین میزان سازگاری زناشویی در گروه‌های مورد مطالعه‌ی پژوهش فعلی (گروه اول: تحصیلات مرد بالاتر از زن، گروه دوم: تحصیلات زن بالاتر از مرد و سوم: تحصیلات هم‌تراز زوجین)، متفاوت هست اما تفاوت بین هیچ کدام از مؤلفه‌های سازگاری زناشویی معنادار نمی‌باشند. در نتیجه بین مؤلفه‌های سازگاری زناشویی، با کنترل اثر ویژگی‌های شخصیتی در گروه‌های متفاوت تحصیلی، تفاوتی وجود ندارد؛ بنابراین انجام آزمون تعقیبی بونفرونی فقط برای سازگاری زناشویی امکان پذیر می‌باشد.

جدول ۵: نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسه‌های زوجی بین ۳ گروه نمرات در متغیر سازگاری زناشویی

متغیر وابسته	گروه‌ها	تفاضل میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
سازگاری زناشویی	۲-۱	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۳۹
	۳-۲	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۷۳
	۳-۱	۰/۲۴	۰/۰۹	۰/۰۲

همان گونه که مشاهده می‌شود تنها تفاضل میانگین گروه اول (تحصیلات مرد بالاتر از زن) و گروه سوم (تحصیلات هم‌تراز زوجین) معنی‌دار ( $p < ۰/۰۵$ ) است. هم‌چنین گروه اول (تحصیلات مرد بالاتر از زن)، با توجه به میانگین‌ها در جدول (۴-۱) میانگین بالاتری را نسبت به گروه‌های دوم و سوم دارد. از آنجایی که نمره‌ی بالا در پرسشنامه‌ی سازگاری زوجی نشانگر سازگاری بالاتر است، در نتیجه می‌توان گفت که تحصیلات بالاتر مرد نسبت به همسر خود، بالاتر رفتن سازگاری زناشویی نسبت به گروه‌های دیگر را به همراه دارد. هم‌چنین متناسب با یافته‌های حاصله، ویژگی شخصیتی برون‌گرایی تأثیر معناداری بر خرده‌مقیاس توافق ( $p = ۰/۰۱$ ) و انسجام ( $p = ۰/۰۳$ )، دارد. ویژگی مسئولیت‌پذیری نیز تأثیر معناداری بر خرده‌مقیاس توافق ( $p = ۰/۰۳$ )، دارد که در پژوهش حاضر این تأثیرات کنترل شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره برای عملکرد ازدواج و چند متغیره برای خرده مقیاس های عملکرد ازدواج در گروه های متفاوت تحصیلی

متغیر	SS	df	MS	F	Sig معنی داری	میزان تأثیر	توان آماری
عملکرد ازدواج	۳۰/۱	۲	۱۵/۰	۲/۱۰	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۴۲
ارتباط	۱/۱۱	۲	۰/۵۵	۳/۴۶	۰/۰۳	۰/۰۵	۶۳/۰
ابراز گری عاطفی	۱/۷۲	۲	۰/۸۶	۴/۵۸	۰/۰۱	۰/۰۷	۷۶/۰
نقش	۰/۲۲	۲	۰/۱۱	۰/۶۱	۰/۵۴	۰/۰۱	۰/۱۵
انعطاف پذیری	۰/۲۵	۲	۰/۱۲	۰/۷۲	۰/۴۸	۰/۰۱	۰/۱۷
فرزند پروری	۱/۸۷	۲	۰/۹۳	۳/۳۹	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۶۲
اقتصاد و مسائل مالی	۴/۰۲	۲	۲/۰۱	۷/۲۳	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۹۳
ارزش ها	۰/۶۵	۲	۰/۳۲	۰/۸۰	۰/۴۵	۰/۰۱	۰/۱۸
مراقبت جسمانی و روانی	۰/۳۴	۲	۰/۱۷	۱/۱۷	۰/۳۱	۰/۰۲	۰/۲۵
عملکرد کلی	۲/۱۳	۲	۱/۰۶	۱/۲۵	۰/۲۸	۰/۰۲	۰/۲۶
حل مشکل	۰/۳۰	۲	۰/۱۵	۰/۹۹	۰/۳	۰/۰۱	۰/۲۲
خانواده	۰/۳۴	۲	۰/۱۷	۰/۸۸	۰/۴۱	۰/۰۱	۰/۱۹

همان طوری که در جدول نشان داده شده است، عملکرد ازدواج در گروه های زوجی مورد مطالعه با ترکیبات مختلف تحصیلی، (گروه یک؛ تحصیلات مرد بالاتر از زن، گروه دو؛ تحصیلات زن بالاتر از مرد و گروه سه؛ هم تراز) تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند (P < ۰/۰۵). لذا فرضیه تفاوت بین عملکرد ازدواج گروه های زوجی با سطوح متفاوت تحصیلی، تأیید نمی گردد و از این رو امکان انجام آزمون تعقیبی وجود ندارد؛ اما در مؤلفه های ارتباط، ابراز گری عاطفی، فرزند پروری و اقتصاد و مسائل مالی معناداری پذیرفته می شود به این معنا که بین خرده مقیاس های ارتباط، ابراز گری عاطفی، فرزند پروری و اقتصاد و مسائل مالی، در سه گروه پژوهش (گروه یک؛ تحصیلات مرد بالاتر از زن، گروه دو؛ تحصیلات زن بالاتر از مرد و گروه سه؛ هم تراز)، تفاوت وجود دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون بونفرونی برای مقایسه های زوجی بین ۳ گروه در مالی مؤلفه های ابراز گری عاطفی، ارتباط و اقتصاد و مسائل مالی

متغیر وابسته	گروه ها	تفاضل میانگین ها	خطای استاندارد	سطح معنی داری
ارتباط	۲-۱	-۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۱۹
	۳-۲	-۰/۰۶	۰/۰۹	۱
	۳-۱	-۰/۲۴	۰/۰۹	۰/۰۳

۰/۳۰	۰/۱۰	-۰/۱۶	۲-۱	ابراز گری عاطفی
۰/۴۵	۰/۱	-۰/۱۴	۳-۲	
۰/۰۰	۰/۱۰	-۰/۳۱	۳-۱	
۱	۰/۱۲	۰/۰۲	۲-۱	فرزند پروری
۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۲۶	۳-۲	
۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۲۸	۳-۱	
۰/۳۵	۰/۱۲	-۰/۱۹	۲-۱	اقتصاد و مسائل مالی
۰/۰۷	۰/۱۲	-۰/۲۷	۳-۲	
۰/۰۰	۰/۱۲	-۰/۴۷	۳-۱	

با توجه به معنی‌داری تفاضل میانگین‌ها در مؤلفه‌ی ارتباط، درمی‌یابیم که تفاوت‌های گروه‌های پژوهشی معنادار است و با بررسی میانگین نمرات ارتباط، مشخص می‌شود که گروه سوم میانگین ۴۲۰۸، بالاتری دارند. در مؤلفه ابراز گری عاطفی، مشخص می‌شود که تفاضل میانگین‌ها فقط برای گروه سوم معنادار بوده و گروه سوم میانگین بالاتری (۳۴۸۳۳)، نسبت به گروه‌های یک و دو دارند. در مؤلفه‌ی فرزند پروری معنی‌داری تفاضل میانگین‌ها نشان از آن دارد که تفاوت‌های موجود میان هیچ‌کدام از گروه‌های پژوهشی معنی‌دار نیست. در مؤلفه‌ی اقتصاد و مسائل مالی نیز تفاوت میانگین مشاهده شده برای گروه سوم معنی‌دار می‌باشد. میانگین گروه سوم ۳/۷۷۹۲ بالاتر از میانگین گروه‌های اول و دوم است، در نتیجه این‌گونه استنباط می‌شود که زوجین با سطوح همسان تحصیلی به‌صورت کارا تر نسبت به سایر گروه‌های مورد مطالعه در مسائل اقتصادی عمل می‌کنند.

در رابطه با کنترل اثر ویژگی‌های شخصیتی لازم به ذکر است که متناسب با یافته‌های حاصله، ویژگی شخصیتی برون‌گرایی تأثیر معناداری بر خرده مقیاس توافق (p=۰/۰۱) و انسجام (p=۰/۰۳) دارد. ویژگی مسئولیت‌پذیری نیز تأثیر معناداری بر خرده مقیاس توافق (p=۰/۰۳)، دارد که در پژوهش حاضر این تأثیرات کنترل شده است. سه مؤلفه‌ی ارتباط، ابراز گری عاطفی و اقتصاد نیز، تحت تأثیر ویژگی شخصیتی برون‌گرایی قرار دارند که در پژوهش حاضر این تأثیرات کنترل شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان متفاوت تحصیلات زوجین پرداخته شد. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان سازگاری

زناشویی سه گروه زوجی با میزان متفاوت تحصیلات (گروه اول: میزان تحصیلات مرد بالاتر از زن، گروه دوم: میزان تحصیلات زن بالاتر از مرد و گروه سوم: میزان تحصیلات یکسان زن و مرد)، تفاوت وجود دارد. بدین معنا که سازگاری زناشویی زوجین در گروهی که میزان تحصیلات مرد نسبت به زن بالاتر بود، نسبت به گروه‌های زوجی دیگر بالاتر است.

بدین معنا که در صورت کنترل اثر ویژگی‌های شخصیتی، با بالاتر بودن میزان تحصیلات مرد نسبت به زن، میزان سازگاری زناشویی بالاتر می‌رود. از سویی تفاوت میزان تحصیلات زوجین، منجر به وجود تفاوت در میزان توافق، رضایت و انسجام، مابین زوجین با ترکیبات مختلف تحصیلی نمی‌شود. پژوهش حاضر با نتایج پژوهش صدری نوین (۱۳۹۶)، همسو است. او به این نتیجه دست یافت که بین سازگاری زناشویی و سطح تحصیلات در مردان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هم‌چنین کمالی و علی‌اصغری (۱۳۹۴)، نیز ارتباطات معناداری مابین زوجین موفق و ناموفق و سطح تحصیلات و هم‌چنین ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها ابراز کردند. آن‌ها نتایج تحقیقشان را این گونه بیان کردند که ویژگی‌های شخصیتی سبک‌های دلبستگی، بخشش و سطح تحصیلات بالاتر زوجین، می‌تواند تعارضات زناشویی را کاهش داده و موجب موفقیت بیشتر زوجین در روابط زناشویی‌شان شود.

از سویی نتایج حاصل از پژوهش رودلف، ۲۰۰۴؛ به نقل از صدری نوین، ۱۳۹۶، در رابطه با تأثیر میزان تحصیلات مشابه زوجین در سازگاری و پایداری ازدواج، نشان داد که تشابه تحصیلاتی زوجین موجب افزایش سازگاری زناشویی زوجین می‌شود. این نتیجه مغایر با نتایج و یافته‌های حاصل در این پژوهش، مبنی بر سازگاری بالاتر زوجین در گروه‌های زوجی که تحصیلات مرد بالاتر از زن است، می‌باشد. آزادیان و فتحی (۱۳۹۵)، زارع و صفاری (۱۳۹۴)، نیز روشن ساختند که بین پایداری و سازگاری زندگی زوجین و میزان تحصیلاتشان ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به اینکه سازگاری زناشویی از زمینه‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرد، می‌توان در تبیین نتایج این پژوهش چنین بیان کرد که طی نسل‌های متوالی در جامعه‌ی ایرانی این وضعیت متعارف و معمول بوده است که عموماً امکان دست‌یابی به میزان تحصیلات بالاتر برای مردان بیشتر بوده و در نتیجه‌ی دست‌یابی به میزان تحصیلات بالاتر امکان رسیدن به

زمینه‌های اشتغال بیشتر و همچنین رشد اقتصادی و مالی و درآمد بالاتر، رسیدگی غنی‌تر به نیازهای اقتصادی خانواده و قدرت تصمیم‌گیری بیشتر، فراهم می‌شود.

با در نظر گرفتن بافت فرهنگی خانواده‌های ایرانی و نقش پررنگ‌تر مردان در اداره‌ی امور مالی و اقتصادی مرتبط با خانواده، امنیت و ثبات شغلی بالاتر مردان زمینه‌ی آرامش خانواده را خصوصاً در شرایط اقتصادی بدون ثبات تا حد زیادی فراهم می‌نماید. در خانواده‌ای که میزان تحصیلات زن بیشتر است، زن ممکن است همواره به‌صورت ذهنی در آرزوی همسری بالاتر از خودش باشد. بر اساس نظر (کلارک و اسوالد، ۱۹۹۴) به نقل از جزایری و همکاران، (۱۳۹۷)، انتظارات زنان با افزایش میزان تحصیلات بالا می‌ورد. انتظار بالاتر زنان تحصیل‌کرده، خصوصاً زمانی که با میزان تحصیلات کمتر مرد همراه باشد، سازگاری زوجین را به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. چراکه در این شرایط انتظارات زنان از ازدواج و زندگی زناشویی، به‌احتمال بسیار زیاد با این ازدواج محقق نخواهد شد و این مسئله بستر مناسبی برای سازگاری زناشویی کمتر ایجاد می‌کند. همچنین بالاتر بودن وضعیت اشتغال زن در قیاس با همسرش، می‌تواند زمینه را برای ادراک احساس حقارت از سوی مرد فراهم نماید. از سوی دیگر میزان تحصیلات بالاتر، یکی از جنبه‌های سنجش فردی و شخصیتی می‌باشد و با ورود زوجین به پیوند ازدواج، طرفین علاوه بر خویشتن فردی از یک خویشتن زوجی نیز برخوردار می‌شوند. لذا شخصیت شغلی-تحصیلی و اجتماعی هر یک از همسران، بر دیگری تأثیرگذار خواهد بود. از این رو در این پژوهش نیز قابل تأمل است که سازگاری زناشویی زوجین، به میزان بالاتری در گروه اول که مشخصه‌ی آن بالاتر بودن میزان تحصیلات مرد از زن است، مشاهده گردد.

خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره نیز نشان می‌دهد که میزان متفاوت تحصیلات زوجین، تأثیر معناداری بر عملکرد خانواده گروه‌های مورد مطالعه نداشته است (p < ۰/۰۵). عملکرد مطلوب میزان سودمندی الگوهای مورداستفاده‌ی خانواده برای دستیابی به اهداف را می‌رساند، در صورتی که ناکارآمدی عملکرد خانواده، الگوهای خانوادگی غیر سودمند به همراه تعاملات رفتاری استرس‌زا و رفتارهای مرضی است (موسوی، ۲۰۱۵).

در تبیین نتایج حاصل شده می‌توان بیان کرد که عملکرد خانواده مفهومی چندبعدی و شامل عناصر مختلفی است که هر کدام از آن‌ها نیز از مواردی مستقل تأثیر می‌پذیرند. برای مثال مؤلفه عملکرد کلی میزان همبستگی بین اعضای خانواده، صمیمیت اعضا، پابندی اعضای خانواده به الگوهای انضباطی و رعایت حدود مرز اعضای خانواده را به‌صورت کلی

شامل می‌شود (پورتس و هاول، براون، فیچنبرگر و مس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). لذا به نظر می‌رسد که عامل تحصیلات به علت توان اثرگذاری محدودتری که نسبت به عناصر مطرح شده دارد، به‌تنهایی نتواند تمامی ابعاد ذکر شده در رابطه با عملکرد کلی را تحت تأثیر قرار دهد.

اما از بین مؤلفه‌های عملکرد ازدواج، شاخص ابراز‌گری عاطفی، ارتباط، اقتصاد و مسائل مالی، برای گروه سوم (زوجین با سطوح تحصیلی هم‌تراز)، معنی‌دار است. به این معنا که زوجین با سطوح تحصیلی همسان، از شیوه‌های کارآمدی برای ابراز احساس استفاده کرده و ارتباط سازنده‌تری نسبت به سایر گروه‌های پژوهشی دارند. هم‌چنین عملکرد این زوجین در رابطه با اقتصاد و مسائل مالی کیفیت بالاتری نسبت به زوجین با تحصیلات بالاتر مرد نسبت به زن و زوجین با تحصیلات بالاتر زن از مرد، دارد. ارتباط در واقع رفتارهایی را شامل می‌شود که نگه‌دارنده‌ی ازدواج و پیوند زناشویی هستند (سانفورد ۱، ۲۰۱۰). در رابطه با پژوهش‌های همسو و مغایر در زمینه‌ی تأثیر عامل تحصیلات بر عملکرد ازدواج تا آنجا که پژوهشگران این مطالعه بررسی کردند، پژوهشی انجام نگرفته است. پژوهش‌های جانسون (۲۰۰۹) و شاکریان و آفاجانی هشتجین (۱۳۸۸)، به مطالعه کارکردهای خانواده و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی دانشجویان پرداخته و در گزارش کردند که از بین کارکردهای خانواده ارتباط عاطفی به‌طور مستقیم اثر معنی‌داری بر موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های تحصیلی می‌گذارد. در تبیین نتایج در رابطه با مؤلفه‌ی ابراز‌گری عاطفی و ارتباط، قابل‌انتظار است که ابراز‌گری عاطفی مؤثر و ارتباط و مهارت‌های مرتبط با آن قابلیت آموخته شدن را داشته باشند؛ بنابراین همسران در هر گام از زندگی، فرصت کسب مهارت‌های ارتباطی و ابراز‌گری مؤثر در برخورد با همسر و در رابطه‌ی زوجی‌شان را دارند. تحصیلات با غنی‌تر کردن خزانه‌ی ارتباطی زوجین از طریق افزایش معلومات، گسترش روابط و ایجاد شبکه‌های ارتباطی متنوع‌تر و وسعت بخشیدن به گستره‌ی دید افراد، می‌تواند بستر مناسبی برای فراگیری مهارت‌های ارتباطی و تطابق بیشتر با تغییرات اتفاق افتاده در دنیای اطراف و ابراز مؤثر که از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در موفقیت روابط زوجی است را فراهم کند.

ارتباط نزدیک‌تر و صمیمانه‌تری که زوجین با میزان تحصیلات یکسان با یکدیگر برقرار می‌کنند و همچنین ابراز‌گری عاطفی مؤثر آن‌ها نسبت به یکدیگر، باعث می‌شود در برخورد با مسائل اقتصادی نیز حمایت و همراهی مؤثرتری داشته باشند و بحران‌های مالی احتمالی را با درایت بیشتری در کنار یکدیگر مدیریت کنند. تحصیلات همسان زوجین و

1. portess, P. howell, S. browen, J. fichenberger, S & mass, C

برابری سطح آگاهی و دانش، زمینه مساعدتری برای درک مشترک را مهیا می-سازد. درک مشترکی که زوجین واجد همسانی سطح تحصیلی، به واسطه‌ی شرایط اشتغال احتمالی مشابه، دارا می‌باشند، می‌تواند منجر به همدلی قابل‌اتکا و توافق جویی در رابطه با مسائل اقتصادی و مالی، از سوی هر دو طرف شود. در ضمن برخورداری از سطح دانش همسان، می‌تواند شکل‌گیری باور همکاری در مدیریت مسائل اقتصادی و مالی بین زوجین را به همراه داشته باشد.

با توجه به اهمیت عامل تحصیلات بر عملکرد ازدواج و سازگاری زناشویی و از آنجائی که در این پژوهش میزان تحصیلات بالاتر مرد نسبت به زن بر سازگاری زناشویی و همچنین تشابه میزان تحصیلات بر برخی مؤلفه‌های عملکرد ازدواج تأثیر معنادار نشان داده است، پیشنهاد می‌شود از نتایج به‌دست آمده در این پژوهش توسط مشاوران خانواده در مشاوره‌های پیش از ازدواج برای جوانان در آستانه‌ی ازدواج، جهت آگاهی‌افزایی در مورد تأثیر میزان تحصیلات و اختصاص دادن اهمیت بجا و مناسب به تفاوت یا تشابه میزان تحصیلات در امر انتخاب همسر، مورد استفاده قرار گیرد. در ضمن در مشاوره‌های زوجی می‌توان از نتایج این پژوهش جهت آگاهی‌افزایی از تأثیر تفاوت یا تشابه میزان تحصیلات، در مدیریت روابط زوجی استفاده نمود.

پیشنهاد می‌شود پژوهشی در همین راستا در شهرها و فرهنگ‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد و با نتایج این پژوهش مورد مقایسه واقع شود. همین‌طور با توجه به تأثیر میزان متفاوت تحصیلات زوجین بر سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج، پیشنهاد می‌شود تأثیر میزان متفاوت یا تشابه میزان تحصیلات زوجین بر کیفیت روابط والد-فرزندی و همچنین آرزوها و چشم‌اندازهای شغلی فرزندان، مورد پژوهش قرار گیرد. محدودیت در تعمیم نتایج این مطالعه به فرهنگ‌های دیگر، به واسطه‌ی تأثیر احتمالی تفاوت‌های فرهنگی در نحوه‌ی برخورد با تفاوت یا تشابه میزان تحصیلات همسران، لازم است مدنظر قرار بگیرد.

پژوهشگر خود را موظف می‌داند تا از فرهنگسراهای نواحی مختلف شهر اصفهان و همچنین تمامی زوجینی که در جمع‌آوری داده‌ها همکاری نمودند، مراتب تشکر و قدردانی را بجا آورد.

## منابع

- آزادیان، عذرا و فتحی، سروش. (۱۳۹۵). بررسی همسان همسری در بین زوجین تهرانی و تأثیر آن بر رضایت‌مندی از زندگی زناشویی. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، دوره ۷، ۱۰۴-۸۵.
- اکبرزاده، زینب و هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۵). رابطه بین عملکرد خانواده اصلی با سطح تمایز یافتگی و تعهد زناشویی در زوجین شهر شیراز. هفتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- بهارلو، غفار؛ صادقی فرد، مریم؛ امینی ناغانی، شهریار و زمان پور، ایمان. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس عملکرد ازدواج. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- جزایری، سید حسین؛ دلاور، علی؛ و درتاج، فریبرز. (۱۳۹۷). تدوین مدل شادکامی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، فعالیت‌های ارادی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۵)، ۲۷-۵۶.
- خادمی، علی؛ ولی پور، مریم؛ خراسانی، لاله و نیشابوری، سیمین. (۱۳۹۴). رابطه ویژگی‌های شخصیت با رضایت زناشویی و مؤلفه‌های آن در زوج‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی کاربردی، ۸(۳۲).
- خسروی، مصطفی. (۱۳۹۱). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی و سلامت روان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- خلیل بند، پگاه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و شوخ‌طبعی با سازگاری زناشویی زوجین در شهر شیراز. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- داوودی، حسین؛ پاشا شریفی، حسن؛ شفیع‌آبادی، عبدالله و فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۹۳). پیش‌بینی کیفیت زندگی خانواده بر اساس خصیصه‌های شخصیتی و انواع هوش در زنان. مجله روانشناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۱۳۹۳(۳)، ۱۰۳-۱۱۵.

رفاهی، ژاله؛ ثنایی، باقر و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۷). پرسشنامه سنجش عملکرد ازدواج. انتشارات بعثت.

ریان، کریستنسن ای؛ اپستین، ناتان بی؛ کیتنر، گابور ای؛ میلر، ایوان دلیو و بیشاپ، دوآن اس. (۱۳۹۱). ارزیابی و درمان خانواده‌ها: رویکرد مک مستر. ترجمه بهرامی، فاطمه؛ عشقی، روناک؛ غفاری، مجید؛ جوکار، مهناز؛ دیاریان، محمدمسعود و یوسفی، ناصر. تهران: نشر ارجمند (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۵).

زارع، بیژن و صفاری جعفرآباد، هاجر. (۱۳۹۴). مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان مردان و زنان متأهل شهر تهران. مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، ۴۰-۱۱۱.

زارعی، اقبال؛ میرزایی، میترا و صادقی فرد، مریم. (۱۳۹۷). ارائه مدل جهت تبیین نقش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی با میانجیگری تعارضات خانوادگی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۵)، ۱-۲۶.

شاکریان، عطا و آقاجانی هشتجین، طهمورث. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه کارایی خانواده در ارتباط با وضعیت تحصیلی دانشجویان موفق و ناموفق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج - سال تحصیلی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره دوم، ۲۰۱-۱۸۸.

شاکریان، عطا؛ نظری، علی محمد؛ ابراهیمی، پایناز؛ فاطمی، عادل و دانایی، صبا. (۱۳۹۱). ارتباط شباهت و تضاد در ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی. مجله علوم رفتاری، شماره ۳، ۲۵۱-۲۴۵.

شهابی، مهسا. (۱۳۹۳). بررسی پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت و هوش هیجانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد وزارت علوم تحقیقات و فناوری دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

صدری نوین، مینو. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سطح تحصیلات با سازگاری زناشویی کارمندان متأهل بانک مرکزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین.

عباسی اصل، رؤیا؛ نادری، حبیب‌الله و اکبری، عباس. (۱۳۹۵). پیش‌بینی میزان اضطراب اجتماعی دانشجویان دختر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۸(۶)، ۳۴۳-۳۴۹.

عسگری، حسین. (۱۳۸۰). نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق. چاپ اول. تهران: نشر گفتگو.

فیضی منش، بهزاد و یاراحمدی، یحیی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی منبع کنترل و خودکارآمدی با تعارضات زناشویی در دانشجویان. مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۷.

قمری، محمد و خوشنام، امیرحسین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی عملکرد خانواده‌ی اصلی و کیفیت ارتباط در زندگی بین دانشجویان. فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی، ۷(۲۷)، ۳۴۳-۳۵۴.

کمالی، زهرا و علی‌اصغری، رومینا. (۱۳۹۴). مقایسه بین ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی، بخشش و سطح تحصیلات زوجین موفق و ناموفق. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی. تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جويس. (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در روانشناسی و علوم تربیتی. جلد دوم. ترجمه ا. ر. نصر و همکاران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

موسوی، سمیه. (۱۳۹۲). تدوین الگوی زوج‌درمانی شخصیتی-سیستمی و تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر این الگو بر سازگاری زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

نصر اصفهانی، احمدرضا. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. تهران: انتشارات سمت.

یوسفی، ناصر. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس کیفیت زناشویی. فرم تجدیدنظر شده (RDAS). پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۰۰.

Baron, K. G. Smith, T. W. Butner, J. Nealey-Moore, J. Hawkins, M. W. & Uchino, B. N. (2006). *Hostility, anger, and marital adjustment:*

- Concurrent and prospective associations with psychosocial vulnerability.* Journal of Behavioral Medicine, 30, 1-10.
- Basharpoor, S. & Sheykholeslami, A. (2015). *The relation of marital adjustment and family functions with quality of life in women.* Europe's journal of psychology, 11(3), 432.
- Bharambe, K. D. & Baviskar, P. A. (2013). *A study of marital adjustment in relation to some psycho-socio factor.* International Journal of Humanities and Social Science nvention, 2, 8-10.
- Bouchard, C. Rhéaume, J. & Ladouceur, R. (1999). *Responsibility and perfectionism in OCD: an experimental study.* Behaviour Research and Therapy, 37(3), 248-239.
- Bradbury, T.N. Fincham, F. D. & Beach, S. R. (2000). *Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review.* Journal of marriage and family, 62(4), 964-980.
- Busby, D.M. Christensen, C. Crane, D. R. & Larson, J. H. (1995). *A revision of the dyadic adjustment scale for use with distressed and nondistressed couples: Construct hierarchy and multidimensional scales.* Journal of Marital and Family Therapy, 21(3), 289-308.
- Costa, P.t. & McCrae, R.R. (1992). *Revised NEO personality inventory.*
- Fisiloglu, H. (2001). *Consanguineous marriage and marital adjustment in Turkey.* The Family Journal, 9(2), 215-222.
- Gong, M. (2000). *Does status inconsistency matter for marital quality.* Journal of family Issues, 28(12), 152-161.
- Hollist, C.S. & Miller Richard, B. (2005). *Perceptions of attachment style and marital.* Family Relations, 54, 46-58..
- Hunler, O.S. & Genc, O. (2005). *The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction.* Contemporary Family Therapy, 27(1), 123-136.
- Jahson, R. (2009). *Relation between Family Function and student's performance.* Psychological Studies. 56, 192-197.
- Kahana, E. Lee, J. E. Kahana, J. Goler, T. Kahana, B. Shick, S. Burk, E. & Barnes, K. (2015). *Childhood Autism and Proactive Family Coping: Intergenerational Perspectives.* Journal of Intergenerational Relationships, 13(2), 150-166.
- Lewis, R. A. & Spanier, G. (1979). *Theorizing about the quality and stability of marriage.* In W. R. Burr (Ed.), Contemporary theories about the family (pp. 268° 294). New York: Free Press.
- Mahoney, A. (2005). *Religion and conflict in marital and parent child relationship.* Journal of Social Issues, 61(4), 689-706.
- Mondol, J. (2014). *Marital Adjustment: Extension of psychophysical well-being. India: LAP Lambert Academic Publishing.*
- Mousavi, S. H. Taran, H. Ebrahimi, A. Shir Mohammadi, M. & Kalantari, S. (2015). *The relationship between family functioning and social competence among students.* International Journal of Academic Research in Psychology, 2(1), 80-86.

- Muraru, A. A. & Turliuc, M, r. (2012). *Family \_ of origin, romantic attachment, and marital adjustment: apath analysis model*. Journal social and Behavioral sciences, 33, 90-94.
- Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2006). *Religiosity and marital satisfaction*. Procedia- Social and Behavioral Sciences, 33, 468-472.
- Pielage, S. Luteinjin, F. & Arrindell, W. (2005). *Adult attachment, intimacy and psychological distress in a clinical and community sampel*. Clinical Psychology and Psychotherapy, 12, 455-464.
- Pilusa, E. N. (2006). *The impact of mental retardation on family functioning*. University of Pretoria, Department of Social Work. quality in midlife marriage. quality in midlife marriage. Family Relations, 54, 46-58.
- Portes, P.R. Howell, S. C. Brown, J. H. Eichenborger, S. & Mas. C.A. (1992). *Family functions and children's post-divorce adjustment*. American Journal of orthopsy chiatry, 62(4), 613- 617.
- Sanford, K. (2010). *Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings*. Journal of Family Psychology, 24(2), 165- 174.
- Seray ozdanm, m. & celen, n. (2014). *the relationship between inherent and asquired characterstics human development marital adjustment*. journal of social and behavioral sciences, 2, 140-148.
- Spanier, G. B. (1976). *Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar days*. Journal of Marriage and the family, 38,15-28.
- Vaijayanthimala, K. Kumari, K. & Panda, P. (2004). *Socioencomic heteronomy and marital satisfaction*. Journal of Human Ecology, 15(1),2-11.
- Wang, W. L. Chen, Q. P. Deng, G. Y. & Guan, J. H. (2017). *The relationship between marital adjustment and personality characteristics, medical coping style of infertile patients*. Global Journal of Advanced Nursing Practice, 4(1), 13-28.
- Whisman, M. A. & Baucom, D. H. (2012). *Intimate relationships and psychopathology*. Clinical Child and Family Psychology Review, 15(4), 13-20.